

در پژوهش‌های زبان‌شناختی اخیر، آواشناسان توجه ویژه‌ای به عناصر زیر زنجیری در کلام (مانند آهنگ کلام، تکیه، مکث، زیر و بمی یا ارتفاع، دیرش یا امتداد و...) و ساز و کار آنها معطوف داشته‌اند. در این میان، بیشترین و گسترده‌ترین حجم مطالعات و تجزیه و تحلیل‌ها، بحق، به تکیه اختصاص داشته است.<sup>۱</sup> نظر به اهمیت فوق‌العاده تکیه در ارتباط زبانی و به ویژه در مفهوم مستنبط از خواندن ترجمه آیه یا آیاتی از قرآن کریم، این قلم در مقالی فشرده، با بیانی ساده و مفهوم و تا حدودی به دور از بحث‌های تخصصی در این زمینه، به طرح مفهوم «تکیه»، انواع آن، و نقش‌های مترتب بر آن، همراه با ذکر نمونه‌ای از کارکرد این بحث در حوزه ترجمه کلام وحی، خواهد پرداخت. برای این منظور، در چالشی بی‌غرض، ۱۴ ترجمه فارسی قرآن کریم از بخشی از آیه ۱۴ سوره آل عمران، به طور مقابله‌ای بررسی خواهد شد و ترجمه پیشنهادی این قلم نیز ارائه خواهد گردید. به امید آن که این نوشتار مختصر، ضمن مطرح ساختن موضوع تکیه و ضرورت توجه به آن - که به نوبه خود، دستاورد کم‌اهمیتی

# تکیه و کارکرد آن در گزینش عناصر واژگانی در ترجمه قرآن کریم

مجید صالحی

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین(ع)

۱. م. هایمن، لاری: نظام آوایی زبان، نظریه و تحلیل، ترجمه بداله نمره، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۶۸، ص ۳۱۵.

نخواهد بود - رهیافت و بعد جدیدی در نقد ترجمه‌های کلام وحی را فراروی قرآن پژوهان و نقد کنندگان منصفی قرار دهد که به دور از هر حب و بغضی، و صرفاً با هدف ارزیابی ترجمه‌ها و به دست دادن معیارهایی در این امر با هدف نهایی دستیابی به کم اشکال‌ترین ترجمه از مصحف شریف، در عرصه نقد و نقادی قلم می‌زنند. ان شاء الله.

هنگام سخن گفتن، معمولاً هجای خاصی از یک واژه را برجسته‌تر، واضح‌تر و با فشار بیشتر تلفظ می‌کنیم. این فشار و تأکید بیشتر روی قسمتی از کلام (معمولاً هجا) و برجسته‌تر کردن آوایی آن، نسبت به قسمت‌های دیگر همان کلام یا در تقابل با کلام دیگر را تکیه می‌نامیم.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، تکیه را تلفظ یک هجا یا یک واژه با فشار بیشتری در مقایسه با هجاها یا واژگان دیگر در آن عبارت، تعریف کرده‌اند.<sup>۲</sup> برخی نیز تکیه را اصطلاحی در آواشناسی مشعر بر مقدار نیروی به کار رفته در تولید یک هجا تعریف می‌کنند که باعث برجسته‌تر شدن آن هجا نسبت به هجای دیگر می‌گردد و این برجستگی نیز معمولاً ناشی از افزایش شدت صدا در هجای تکیه بر است، اما دیرش یا امتداد و طنین نیز بالمآل ممکن است در آن دخالت داشته باشند.<sup>۳</sup>

تکیه را بر دو نوع دانسته‌اند: تکیه هجا (که به معنای برجسته‌تر و بلندتر تلفظ کردن یک هجای خاص در یک واژه در تقابل با هجایی دیگر است) و تکیه واژه یا تکیه جمله (که با تأکید روی واژه خاصی در جمله و برجسته‌تر ساختن آن، بخش خاصی از معنای نهفته در درون آن جمله یا عبارت، به ذهن مخاطب کوبیده می‌شود و بقیه آحاد واژگانی و معنایی آن جمله یا عبارت، تحت الشعاع آن قرار می‌گیرد). به عنوان مثالی برای تکیه هجا و نقش تعویض محل قرارگیری تکیه، می‌توان به واژه فارسی «نشکن» اشاره کرد: می‌دانیم که این واژه، از دو هجا تشکیل شده است. اگر گوینده، هجای نخست را برجسته‌تر و بلندتر و با فشار بیشتر (تکیه) تلفظ کند، نهی از فعل شکستن مستفاد می‌شود و اگر تکیه را روی هجای دوم بگذارد، آن‌گاه این واژه، دیگر فعل نخواهد بود، بلکه صفتی را خواهد رساند که در مورد چیزی که نمی‌شکند، به کار می‌رود. مثال تکیه واژه (= تکیه جمله) نیز ذیلاً در پی خواهد آمد. زبان‌شناسان برحسب آن که در زبان‌های موجود، محل قرارگیری تکیه هجا، ثابت باشد یا

۱. انیس، ابراهیم: آواشناسی زبان عربی، ترجمه ابوالفضل علامی و صفر سفیدرو، انتشارات اسوه، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۵۷.

2. Jack Richards, *Dictionary of Applied Linguistics*, Longman, 1992, p. 275.

3. David, Crystal, *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, Basil Blackwell, UK, 1985, p. 288.

متغیر، تمایزی بین زبان‌ها در نظر گرفته و آنها را به دو گروه تکیه آزاد<sup>۱</sup> و تکیه ثابت<sup>۲</sup> تقسیم کرده‌اند. در زبان‌هایی مثل عربی، فرانسه، مجارستانی، ترکی و لهستانی، جای تکیه، محدود به یک هجای خاص در هر واژه و کاملاً قانونمند و قابل پیش بینی است.<sup>۳</sup> این زبان‌ها دارای الگوی تکیه ثابت یا غیر واجی هستند؛ یعنی تکیه در زبان مجارستانی روی هجای نخست، در زبان ترکی و نیز فرانسه روی هجای آخر، در زبان لهستانی روی هجای ماقبل آخر و در زبان عربی نیز بسته به تعداد هجاهای یک واژه محل وقوع تکیه کاملاً قابل پیش بینی است.<sup>۴</sup> در حالی که در زبان‌هایی مانند فارسی، انگلیسی و روسی، تکیه می‌تواند روی هجاهای مختلف یک واژه قرار گیرد و در این زبان‌ها واژه‌های فراوانی می‌توان یافت که جای قرارگیری تکیه، به خودی خود و بدون در نظر گرفتن آن واژگان در بافت کلامی و گفتمان<sup>۵</sup> قابل پیش بینی نیست و به عبارت دیگر، این واژگان دارای چند الگوی تکیه هستند. در چنین زبان‌هایی، تکیه متغیر است و یا به قول آواشناسان، واجی (تقابل دهنده) است. روشن است که در این دسته زبان‌ها - که فارسی هم در شمار آنهاست - تغییر تکیه از یک هجا به هجای دیگر، مستقیماً به معنای دستکاری در معنا و مفهوم مستفاد از آن کلام خواهد بود. مثلاً در زبان فارسی، تعویض تکیه هجا می‌تواند:

الف) صفت را با اسم در تقابل قرار دهد، مانند «کتابی» (= یک کتاب / به شکل کتاب)

ب) جای اسم معنی را با اسم نکره عوض کند، مانند «جوانمردی» (= یک جوانمرد / فتوت و بلند نظری)

ج) موجب تمایز اسم و اصوات شود، مانند «جهنم» (= دوزخ / به درک!)

د) اسم را به جای ماندا بنشانند، مانند «پسر» (= فرزند ذکور / ای پسر!)

ه) اسم را تبدیل به جمله کند، مانند «دیرکرد» (= پول دریافتی بابت تأخیر در پرداخت / او به موقع نیامد)

و) صفت را با قید در تقابل قرار دهد، مانند «گویا» (= رسا و روشن / احتمالاً)

ز) صفت را تبدیل به فعل کند، مانند «برو» (= وسیله تندرو / حرکت کن)<sup>۶</sup>

1. Free Stress.

2. Fixed Stress.

۳. م. هایمن، لاری: همان، ص ۳۱۶.  
۴. آنیس، ابراهیم: همان، صص ۱۵۷ تا ۱۵۹.

5. Discourse.

۶. نجفی، ابوالحسن: مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، انتشارات نیلوفر، تهران، ۱۳۷۱، ص ۸۷. بعضی واژگان و مثال‌های ارائه شده، از نگارنده است.

بنا بر آنچه گذشت، در زبان‌هایی نظیر فارسی، تکیه ممیز معنی است؛ یعنی در یک واژه واحد، با تغییر تکیه روی هجای دیگری، معنی و مفهوم متبادر شده به ذهن مخاطب، تغییر می‌یابد و این امر در مورد کاربرد این واژگان با تکیه‌های متفاوت در جمله نیز صادق است. از این رو در جمله‌ای مثل «نیما، پدر محسن آمد» بسته به این که در کلمه «نیما» تکیه را روی هجای نخست بگذاریم یا دوم، می‌توانیم دو مفهوم را القا کنیم: این که به شخصی به نام نیما، اطلاع داده می‌شود که پدر محسن آمده است (با تکیه بر هجای نخست) و اینکه «نیما» نام پدر محسن است که ما آمدن وی را اطلاع می‌دهیم (با تکیه بر هجای دوم).<sup>۱</sup> این مورد، شاهد مثال دیگری است برای بند «د» فوق‌الآشاره که اسم و منادا در تقابل قرار می‌گیرند.

تعویض تکیه واژه (= تکیه جمله) نیز تغییرات بسیار گسترده و معتابیهی در معنای کلام، برجای می‌گذارد و بعضاً حتی می‌تواند منجر به معنایی تقریباً متضاد مفهوم مورد نظر گوینده اصلی کلام گردد و این نکته بسیار حایز اهمیتی است که باید از سوی گویندگان خبر بخش‌های مختلف خبری صدا و سیما مورد توجه و رعایت قرار گیرد و مع‌الأسف، مورد غفلت قرار گرفته و ابتدأ توجهی بدان نمی‌شود. به عنوان نمونه، در جمله:

«این نکته باید از سوی گویندگان خبر صدا و سیما مورد توجه قرار گیرد.»

جابه‌جایی تکیه واژگان مختلف این جمله، یک بار «این نکته» را در تقابل با «نکات دیگر»، و بار دیگر، «گویندگان» را در تقابل با «نویسندگان یا گزارشگران»، «خبر» را در تقابل با «برنامه‌های دیگر صدا و سیما»، «مورد توجه» را در تقابل با «مورد انتقاد یا رعایت یا...» و سرانجام، «قرار گیرد» را در تقابل با «قرار نگیرد یا...» قرار می‌دهد.

محل قرارگیری تکیه واژه در جملات مختلف، فرق می‌کند و بستگی به اطلاع قبلی گوینده و یا حدس هوشمندانه‌ی وی با توجه به قراین مقاله و شرایط ادای آن کلام دارد، لیکن با ترندها و شگردهای خاصی، همان گونه که ترجمه پیشنهادی این قلم که در پی خواهد آمد، نشان خواهد داد، می‌توان خواننده متن را وادار نمود که تکیه را دقیقاً روی هجا و یا واژه‌ای که مدنظر ماست، بگذارد و راه دیگری جز آن، نداشته باشد. این نکته بسیار مهم زبانی، که نقش عظیمی در القای پیام به ذهن و ضمیر مخاطب دارد، مسأله فراموش شده‌ای در حوزه ترجمه قرآن کریم بوده است و به نظر می‌رسد مترجمین محترم قرآن - که صد البته سعی‌شان مشکور است - عنایتی بدان نداشته‌اند، در حالی که وقتی سخن از ترجمه قرآن کریم است، پای معنا و

۱. باقری، مهری: مقدمات زبان‌شناسی، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۶۷، ص ۱۶۳.

مفهوم نهفته در بطن آیات نورانی این کتاب شریف و انعکاس و ارائه آن به گویشوران زبان دیگری در میان است و همان گونه که پیش تر شرح آن گذشت، تکیه، از عناصر اصلی زیر زنجیری گفتار است که با معناسر و کار دارد و عدم توجه به آن، مستقیماً به معنای دستکاری و تغییر در مفهوم مستفاد از آن آیه توسط مخاطب خواهد بود، خصوصاً در زبان فارسی که دارای الگوی تکیه آزاد است. اعتقاد این قلم بر این است که نه مترجم قرآن کریم و نه هیچ فرد دیگری مجاز به دستکاری و تغییر (عامدانه) در مفهوم آیات شریف قرآن نیست؛ چرا که خداوند متعال، اشرف موجودات و افضل کاینات، ذات مقدس نبی اکرم (ص) را که جهان و هر چه را در آن است به خاطر او آفریده است، این چنین در سوره حاقه، آیات ۴۴ تا ۴۶ تهدید به مجازات و قطع کردن رگ قلبش در صورت بیان مطالبی غیر از آنچه دقیقاً از ناحیه ذات اقدس ربوبیت ساطع و صادر شده است، می کند که شنیدنی است:

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ \* لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ \* ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

بنابراین، تکلیف اشخاص دیگر در انعکاس کلام وحی به مردم، روشن است. اگر قصد ما ارائه نمونه‌ای از ترجمه‌های مختلف قرآن کریم در این بُعد و از این رهگذر باشد، جداً در گزینش یک مورد از میان آنها و تحلیل و بررسی آن به دلیل کثرت موارد، دچار مشکل خواهیم شد، ولی صرفاً به عنوان مثال و مشتق نمونه خروار، جمله *وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ* را که آیه ۱۴ سوره آل عمران بدان عبارت ختم می شود، در نظر بگیرید و به ۱۴ ترجمه از ترجمه‌های فارسی قرآن کریم که از شناخته شده‌ترین و کثیرالانتشارترین ترجمه‌های فارسی مصحف شریف هستند، توجه کنید (ترتیب مترجمین محترم مذکور ذیل بر اساس حروف الفباست و نشان دهنده تقدم و تأخر رتبی یا بهتر و مرجح تر بودن ترجمه‌ای نسبت به ترجمه‌های دیگر از نظر نگارنده نیست):

۱. عبدالمحمد آیتی : در حالی که بازگشتگاه خوب، نزد خداست.
۲. مهدی الهی قمشه‌ای : و نزد خداست همان منزل بازگشت نیکو.
۳. ابوالقاسم امامی : و فرجام نیکو نزد خداست.
۴. ابوالقاسم پاینده : و بازگشتگاه نیک پیش خداست.
۵. کاظم پور جوادی : و سرانجام نیک نزد خداست.
۶. بهاءالدین خرمشاهی : و نیکو سرانجامی نزد خداست.
۷. محمد خواجوی : و بازگشتگاه نیکو نزد خداوندست.
۸. جلال الدین فارسی : و فرجام نیک نزد خداست.

۹. محمد مهدی فولادوند : و فرجام نیکو نزد خداست.  
 ۱۰. علی نقی فیض الاسلام : و نزد خداست جای بازگشت نیکو.  
 ۱۱. احمد کاویان پور : و سرانجام نیک نزد خداست.  
 ۱۲. جلال الدین مجتبیوی : و سرانجام نیک نزد خداست.  
 ۱۳. ناصر مکارم شیرازی : و سرانجام نیک نزد خداست.  
 ۱۴. کاظم معزی : و خداست نزد او نکو بازگشتگاه.

اهم اشکالاتی که بر ترجمه‌های این بزرگواران و عالی مقامان - که صد البته سعی متمین‌شان مشکور است - وارد است، عبارتند از:

۱. تمامی این ترجمه‌ها، برگردان عبارتی مثل «حسن المآب عند الله» یا «المآب الحسن عند الله» هستند نه متن آیه شریفه که ناگفته پیداست چه فاصله عمیقی میان متن آیه و این دو عبارت مفروض، وجود دارد.

۲. در این ترجمه‌ها تأکید مضاعف و بیان مؤکدی که در متن قرآن کریم با کاربرد واژه‌های «والله» و «عنده» آن هم در آغاز جمله و به صورت برجسته دیده می‌شود، به چشم نمی‌خورد، در حالی که این امر (=مسأله برجسته سازی) از منظر زبان‌شناسی روان‌شناختی حایز اهمیت فراوان است. در این پدیده زبانی که بیشتر در متون ادبی شاهد آن هستیم،<sup>۱</sup> عنصری که از نظر روان‌شناختی حایز اهمیت بیشتری نسبت به دیگر عناصر جمله است، به ابتدای کلام منتقل می‌گردد تا اهمیت و نقش آن، در ذهن مخاطب حک شود و اثر گذاری آن، صد چندان گردد.<sup>۲</sup> در آیات دیگر قرآن کریم نیز به وفور، شاهد این قضیه هستیم، کما این که می‌خوانیم: ایاک نعبد (و نه تعبدا یا ک) و ایاک نعبدک، ایه ترجعون (و نه ترجعون ایه)، ایه یصعد الکلم الطیب (و نه یصعد الکلم الطیب ایه) و العمل الصالح یرفعه (و نه یرفعه العمل الصالح) و علی الله فلیتوکل المؤمنون (و نه فلیتوکل المؤمنون علی الله) و صدها مورد دیگر که در تمامی آنها عنصری که به ذات اقدس ربوبی اشاره دارد - ایاک، ایه، علی الله، ... - برجسته شده است تا بیانگر اهمیت مضاعف آن عنصر و نیز بیانگر این نکته باشد که همه اعمال ما باید سمت و سوی «از او بی» و «به سوی او بی» داشته باشند. حتی در ادعیه مأثوره هم این امر صدق می‌کند و مسلمانان روزه خود را در ماه مبارک رمضان با عبارات: اللهم لك صمت (و نه صمت لك) و علی رزقك افطرت (و نه افطرت علی رزقك) و علیک توکلت (و نه توکلت علیک) افطار می‌کنند. این

۱. صالحی، مجید: مقاله «سیری در ساخت‌های نحوی قرآن کریم»، فصلنامه هنر، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۷۴، صص ۵۱۷ تا ۵۲۰.  
 ۲. صالحی، مجید: کتاب قرآن، جلوه‌های ادبی و ترجمه (نا) پذیری (انگلیسی)، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۵۵ تا ۱۶۴.

موارد و هزاران شاهد دیگر از آیات شریفه قرآن کریم و روایات نشانگر آن است که مفهوم این عبارات با عباراتی که داخل پرانتز در مقابل هر کلام آمده است، مساوی نیست.

۳. در بعضی از این ترجمه‌ها نظیر ترجمه استاد خرماهی - به رغم درایت و نکته بینی متتبعانه شان در این برگردان و این که برخلاف همه ترجمه‌های فوق‌الآشاره، به درستی، «حسن المآب» را «نیکو سرانجامی» ترجمه کرده‌اند و نه «سرانجام نیک» - تکیه هجا متغیر شده است؛ به بیان دیگر، در عبارت «نیکو سرانجامی» خواننده این ترجمه، مردد می‌ماند که تکیه را روی هجای آخر این عبارت بگذارد (یعنی آن را اسم معنی بگیرد که مد نظر مترجم معزز و محترم بوده است) یا روی هجای ماقبل آخر (یعنی آن را اسم نکره بدانند).

۴. به گواهی شم زبانی فارسی زبانان، برخی از این ترجمه‌ها - مثل ترجمه‌های ردیف ۲، ۱۰ و ۱۴ - با ساختار نحوی و واژگانی زبان فارسی هماهنگی و تطابق ندارند. قضاوت در این مورد را نیز بر عهده خواننده فرهیخته این سطور می‌گذاریم؛ و نزد خداست همان منزل بازگشت نیکو / و نزد خداست جای بازگشت نیکو / و خداست نزد او نیکو بازگشتنگاه (!)

۵. در کلیه این ترجمه‌ها، محل قرارگیری تکیه و واژه، متغیر شده است و این یعنی دستکاری در فحوای پیام؛ در حالی که مترجمین محترم فوق‌الذکر اگر به نقش تبیینی تکیه و واژه که پیش‌تر ذکر آن رفت، عنایت می‌داشتند، شاید جمله‌ای شبیه ترجمه پیشنهادی نگارنده که ذیلاً در پی خواهد آمد، ارائه می‌کردند تا برای خواننده ترجمه شان، راهی جز گذاشتن تکیه و واژه (= تکیه جمله) روی واژه «خدا» باقی نگذارند. ترجمه پیشنهادی این قلم چنین است:

«و خداست آن که نیکو سرانجامی تنها نزد اوست»

مزایای این ترجمه - به زعم نگارنده - نسبت به ترجمه‌های چهارده گانه فوق‌الآشاره، عبارتند از:

۱. برخلاف ترجمه‌های فوق‌الذکر، تعادل ترجمه‌ای (TE)<sup>۱</sup> در سطح کلیه واژگان متن آیه رعایت شده است. به بیان دیگر، به ازای هر یک از واژگان موجود در متن آیه شریفه، واژه معادلی در این ترجمه ملاحظه می‌شود، در حالی که در ترجمه‌های مذکور، چنین نیست.
۲. الگوی برجسته‌سازی واژه «الله» با انتقال واژه «خدا» به موضع آغازین جمله، در برگردان فارسی، مراعات شده است؛ گو که واژه «خدا» را ترجمه مناسبی برای «الله» نمی‌دانیم

۱. لطفی پور سعیدی، کاظم؛ درآمدی بر اصول و روش ترجمه، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.

و در جای دیگری از آن بحث کرده‌ایم.<sup>۱</sup>

۳. بهره‌گیری از واژه «تنها» علاوه بر مزیت‌های مذکور در بندهای ۴ و ۵ ذیل، مانع از آن می‌شود که در عبارت «نیکو سرانجامی»، تکیه روی هجای ماقبل آخر قرار گیرد که منظور مورد نظر مترجم محترم پیشگفته، نبوده است؛ چراکه در آن صورت، اسم معنی تبدیل به اسم نکره خواهد شد.

۴. استفاده از واژه «تنها» سبب می‌شود تأکید مضاعف موجود در متن آیه با کاربرد «والله» و «عنده» که در کلیه ترجمه‌های پیشگفته، از قلم افتاده است، تا حد بسیار بالایی حفظ شود.

۵. واژه «تنها» باعث می‌شود تکیه واژه در سرتاسر این جمله متغیر نباشد و دقیقاً و فقط روی واژه «خدا» (که در متن آیه چنین است) قرار گیرد و نه هیچ واژه دیگری. بدین سان، مفهوم نیکو سرانجامی، همان‌گونه که باید، تنها به خداوند متعال منحصر می‌گردد و بس.

۶. این ترجمه، هم از حیث توالی واژگان و هم از نظر مراعات اصل تعادل ترجمه‌ای و نیز گفتمان دقیقاً برگردان متن آیه است و نه عبارت مفروضی نظیر حسن المآب عند الله؛ چراکه همان‌گونه که در بالا اشاره شد، به ازای هر کلمه از واژگان متن آیه، واژه معادلی در این ترجمه وجود دارد.

۷. در این ترجمه، محل قرارگیری تکیه واژگان متغیر نیست و توجه به نقش تباینی تکیه و اهمیت آن در گزینش واژگان و چینش عناصر واژگانی متن، باعث شده است تا خواننده مجبور شود تکیه واژه را منحصرأ روی واژه‌ای که ما می‌خواهیم بگذارد.

۸. تکیه هجا نیز در این ترجمه ثابت است و به گواهی شم زبانی فارسی زبانان، در عبارت نیکو سرانجامی در این ترجمه، تنها یک هجای تکیه بر، داریم و آن هجا، هجای آخر است که کلیه ۲۲ نفر جمعیت آماری مورد سؤال قرار گرفته در این تحقیق، تکیه را روی آن هجا قرار دادند، در حالی که ۹ نفر از این تعداد، هنگامی که در معرض این ترجمه بدون واژه «تنها» قرار گرفته بودند، تکیه را روی هجای ماقبل آخر گذاشته بودند.

### چکیده

هدف از ارسال رسل و انزال کتب، طبق نص صریح قرآن کریم در سوره ابراهیم، بیان مفاهیم و مطالب خاصی برای مردم و به زبان آنان بوده است. بشر در بیان مفاهیم مختلف، از

۱. صالحی، مجید: قرآن، جلوه‌های ادبی و ترجمه (نا)پذیری (انگلیسی)، ص ۲۹۰.

عناصری نظیر تکیه، آهنگ کلام، مکث، دیرش و غیره که سوار بر زنجیره گفتار به مخاطب می‌رسند، بهره می‌گیرد. زبان‌شناسان، این عناصر را عناصر زبرزنجیری نامیده‌اند. از مهم‌ترین این عناصر، تکیه است که عبارت است از برجسته کردن یک هجا - تکیه هجا - یا یک واژه - تکیه واژه - در مقایسه با هجاها یا واژگان مجاور آن. به دلیل کارکرد فوق‌العاده برجسته و نقش بس مهم تکیه، مترجم نمی‌تواند در ترجمه خود، نسبت به آن بی‌اعتنا باشد؛ چرا که در زبان‌های دارای الگوی تکیه آزاد - که فارسی نیز، برخلاف عربی، در عداد آنهاست - تغییر جای تکیه هجا و نیز تکیه واژه (= تکیه جمله) منجر به پیدایش تغییرات عمیق در معنا و مفهوم مستفاد از کلام می‌گردد و این، به خودی خود، می‌تواند حوزه‌ای جالب در تحقیقات قرآن پژوهی باشد؛ حوزه‌ای که مترجمین محترم قرآن به فارسی، همان‌گونه که در ۱۴ ترجمه ارائه شده در متن این گفتار، مشهود است، تا کنون کمتر بدان عنایت داشته‌اند. اعتقاد بر این است که مترجم کلام وحی با توجه به استنباطی که از محتوای کلام و معانی و مفاهیم آیات پیدا می‌کند، باید این جنبه مهم را در ترجمه خود، مطمح نظر و مورد مذاقه قرار دهد تا تأثیر دریافتی القا شده از رهگذر آن ترجمه به مخاطب، با تأثیر دریافت شده توسط خود مترجم، از آن آیه، یکسان و یا نزدیک به آن باشد و تعادلی ولو نسبی بین دو کفه ترازوی فهم شخص مترجم از یک سو، و تفهیم آن مفهوم به مخاطب از سوی دیگر، برقرار شود. مفهوم امانت در ترجمه ایجاب می‌کند مترجم تلاش مداوم داشته باشد که واژه‌آزایی عبارات و جملاتش به نحوی باشد که مخاطب فارسی زبان آن ترجمه، به طور طبیعی، تکیه را روی همان هجاها و واژگانی بگذارد که باید. معیار ما در این تلاش هم، مفهومی است که مترجم از آیات شریفه دریافت کرده و در صدد انعکاس آینه وار و امین آن به مخاطب خود است، و نیز «مخاطب آزمایی» روی جمعیت آماری خاصی است.

جان کلام این مقال آن است که: با به کار بستن ترفندهای نحوی و واژگانی خاصی در ترجمه، می‌توان مانع از قرارگیری تکیه روی هجا یا واژه‌ای غیر از آنچه که باید، شد. نمونه این کار، در ترجمه پیشنهادی این قلم، انتقال واژه «خداست» به ابتدای جمله (= ترفند نحوی) و استفاده از واژه «تنها» پس از عبارت «نیکو سرانجامی» (= ترفند واژگانی) است که ضمن حفظ الگوی برجسته‌سازی، هم تأکید مضاعف «والله عنده» را می‌رساند و هم مانع از قرارگیری تکیه هجا روی هجای ماقبل آخر عبارت «نیکو سرانجامی» می‌شود.

ربنا لاتؤخذنا ان نسینا او اخطانا